به روایت آمار

دختران روسی عاشق دامادهای خارجی هستند

در نخستین روزهای ماه سپتامبر کنفرانسی با عنوان «من عاشق مردان روسی هستم» در سن‌پترزبورگ برگزار شد و در این نشست بیش از ۱۰۰ جامعه‌شناس روسی و امریکایی به بررسی وضعیت زنان روسی‌ای که با مردان خارجی ازدواج کرده‌اند و دلایل میل بالای مهاجرات در جامعه زنان، پرداختند. در واقع این سوال که چرا زنان روسی تا این اندازه مایل به ازدواج با مردان خارجی هستند، این روزها مدام تکرار می‌شود، البته در جواب این سوال بر اساس نظرسنجی‌ها، زنان روسی پاسخ‌ها و دلایل فراوانی دارند. دکتر «یولیکا ایلین» معتقد است: بیش از هر چیز مشکل زنان روسی کمبود مردان جوان است، در واقع تعداد مردان نسبت به زنان از فاصله ۲۰ تا ۴۰ سال یک به ۱۰ است، این در حالی است که همه‌ساله تعداد نوزادان پسری که در روسیه به دنیا می‌آیند بیش از دختران است، اما آمارها نشان می‌دهد عمر مردان روسیه کمتر از زنان روسی است. ترس از الکلیسم، جذاب نبودن به چشم زنان و ترس از ناتوانی در اداره خانواده از دلایل اصلی این بی‌میلی است و باید بحران اقتصادی و عدم ثبات مالی و امنیت شغلی مردان و زنان روسیه را هم به این دلایل ضمیمه کرد. نداشتن ثبات مالی در روسیه یکی از دلایلی است که نه‌تنها زنان بلکه بیشتر جوانان روسیه را وادار کرده است برای زندگی بهتر به جست‌وجو در خارج از مرزهای سرزمین‌شان بپردازند. در حال حاضر میزان میل به مهاجرت در میان زنان روسی سه برابر مردان اعلام شده است، برای نمونه کشور امریکا هر سال بیش از یک میلیون درخواست مهاجرت از سوی روس‌ها دریافت می‌کند که ۶۷ درصد درخواست‌کنندگان زنان روسی هستند. تنها در مسکو همه‌ساله بیش از ۱۵۰۰ مورد ازدواج دختران روس با خارجی‌ها ثبت می‌شود. حدود ۱۰ هزار زن روس هرساله به موسسه بین‌المللی ازدواج الیانس مراجعه می‌کنند. نکته جالب اینجاست که داشتن داماد خارجی هم به گفته ایلین اکنون تبدیل به یک مد شده است و مادران روسی هم ترجیح می‌دهند داماد خارجی داشته باشند. این در حالی است که در زمان روی کار آمدن سوسیالیست‌ها در اتحاد جماهیر شوروی حتی حرف زدن با خارجی‌ها جرم بود، در روزگار استالین ازدواج با یک خارجی به منزله جاسوسی بود و این قانون نانوشته تا روزگار برژنف هم ادامه داشت، اما دیگر به سفت و سختی روزگار استالین نبود. دکتر «یولیکا ایلین» می‌گوید: «شاید ریشه این علاقه دیوانه‌وار به ازدواج با خارجی‌ها را باید در سرکوب گذشته‌ها جست‌وجو کرد. رویای هر دختر جوانی حتی در شهرهای کوچک هم ازدواج با یک مرد خارجی است. در واقع کار به جایی رسیده است که آژانس‌های همسریابی همه‌ساله هزاران توریست را از کشورهایی همچون امریکا، استرالیا، آفریقای جنوبی و انگلیس به مسکو می‌کشانند تا زنی روسی برای آنها دست و پا کنند.» هر چند این آژانس‌ها از سوی قشر فرهیخته و دانشگاهی روسیه همیشه در معرض انتقاد هستند، اما به دلیل استقبالی که از آژانس‌های شوهریابی خارجی به عمل می‌آید، بسیاری از این آژانس‌ها درست مانند فروشگاه‌های زنجیره‌ای در شهرهای کوچک و گاهی در کشورهایی که مردان بسیاری در آنجا خواهان عروس روسی هستند، شعبه‌ای افتتاح کرده‌اند. هفته‌نامه پرتیراژ «عروس مسکو» هر هفته با خیل انبوهی از آگهی‌های مردان خارجی روبه‌رو است که در جست‌وجوی عروسی از این شهر هستند. «مرد ۴۲ساله، ساکن ملبورن، مهندس راه و ساختمان، پوست تیره، قد ۱۹۰ سانتیمتر، ۸۷ کیلو وزن، در جست‌وجوی بانویی اهل مسکو، حداکثر سن ۲۵ سال و حداکثر ۱۷۰ سانتیمتر قد»؛ این مضمون بیشتر آگهی‌هایی است که می‌توان در این دست مجله‌ها یافت. در قبال چنین آگهی‌ای مرد مذکور حداقل روزانه ۱۰۰ تماس تلفنی از سوی زنان روسی دریافت خواهد کرد که در جست‌وجوی چنین مردی هستند. موسسه الیانس به دلیل شهرتی که در پیدا کردن زوج‌های همگون و رساندن آنها به یکدیگر دارد، اکنون یکی از پرطرفدارترین‌هاست. زنان روسی بسیاری هر روز به این آژانس مراجعه می‌کنند تا مرد دلخواهشان را در آن سوی مرزها بیابند. هزینه ثبت‌نام در این بخت‌آزمایی، برای زنان تا ۲۵سال و بدون فرزند پنج دلار و برای زنان تا ۴۰ سال که فرزندی هم دارند، هشت دلار است. «سلینا بارکایوف» دختر ۲۵ساله‌ای است که به تازگی موفق شده است با یک مرد امریکایی به توافق برسد و اکنون در مرحله ثبت ازدواج و دریافت تابعیت است. او در مدتی که مجبور است تا پایان مراحل ازدواجش در مسکو بماند، هر ماه ۴۰۰ دلار از شوهرش کمک هزینه زندگی دریافت می‌کند. سلینا این روزها با دوستانش هر روز در کافه‌های گران‌قیمت «آرابات» مسکو قرار می‌گذارد، به آرایشگاه‌هایی می‌رود که همیشه آرزویش را داشت و این ازدواج مایه مباهات مادرش هم شده است. سلینا می‌گوید: «در دانشگاهی که من درس می‌خواندم، هیچ کدام از دوستانم دوست نداشتند با مردی روسی ازدواج کنند، شاید به این خاطر که مردان روسی عادت‌های بدی دارند و اینکه دست آخر شوهری الکلی گیرت بیاید یکی از هراس‌هایی است که همیشه من را از ازدواج منصرف می‌کرد. مردان روسی در مصرف بالای الکل در همه جهان مشهور هستند. در روسیه اگر شما شوهری پیدا کنید که الکل مصرف نمی‌کند، تقریباً باید بگویم با یک فرشته ازدواج کرده‌اید که تنها یک جفت بال کم دارد. از طرفی بحران بیکاری هم می‌تواند زندگی من با یک مرد روس را تهدید کند.» سالانه حدود ۷۰ هزار روسی بر اثر بیماری‌های ناشی از اعتیاد به الکل و ۱۰هزار نفر دیگر بر اثر زیاده‌روی در مصرف جان خود را از دست می‌دهند. دولت روسیه هر چند موفق نشده برای فرار دخترانش راهکاری پیدا کند، اما برای جلوگیری از قاچاق انسان و ایجاد آسیب‌های اجتماعی آژانس‌های همسریابی خارجی را موظف کرده شرایط آسانی را پیش روی مردان خارجی نگذارند. در واقع باید درآمد ماهانه این مردان به اندازه مشخصی باشد، سوءسابقه‌ای در سطح بین‌المللی نداشته باشند، تست اعتیاد بدهند و از همه مهم‌تر تابعیت آنها در کشوری که ساکن آن هستند احراز شده باشد. اکنون بیشترین ازدواج‌ها به مقصد امریکا انجام می‌شود، پس از آن اسرائیل رتبه دوم را دارد و سپس کشورهای اروپایی همچون فرانسه و انگلیس بیشترین عروس‌های وارداتی از روسیه را دارا هستند.

اما تعداد زنان روسی‌ای که خواهان زندگی در امریکا هستند پس از سال ۲۰۰۰ آنقدر بالا رفته است که دولت امریکا قوانین ازدواج با زنان روسی را سفت و سخت‌تر کرده است. در واقع مرد امریکایی باید به مدت هفت ماه با همسر روسی‌اش نامزد بماند و سپس مراحل ورود به امریکا را طی کند. آمارها نشان می‌دهند پس از فروپاشی شوروی، به دلیل شرایط دشواری که پیش آمد، طول عمر و امید به زندگی از ۶۱ تا ۶۳ سال به ۵۳ تا ۵۴ سال کاهش یافته و همچنان با وجود سیاست‌های مختلفی که در این زمینه از سوی دولت‌ها پیش گرفته شده، مصرف الکل در میان مردم روسیه میزان بسیار بالایی دارد. به گفته یولیکا ایلین همین دلایل کافی است که جامعه روسیه با چنین بحرانی روبه‌رو شود و باید نبود آزادی‌های اجتماعی، فضای سرد حاکم بر کشور و نبود امنیت اجتماعی را به دلایل بالا اضافه کرد. هر چند بسیاری از این ازدواج‌ها به طلاق منجر می‌شود، اما زنان روسی‌ای که راهی امریکا یا استرالیا می‌شوند، حتی پس از طلاق هم در این کشورها به زندگی‌شان ادامه می‌دهند و به روسیه بازنمی‌گردند. اما بخت و اقبال زنانی که با مردانی از کشورهایی همچون بلغارستان، اوکراین و ترکیه ازدواج می‌کنند چندان بلند نیست؛ آنها در این کشورها هم با مشکلاتی مواجه می‌شوند و پس از طلاق باید دوباره در روسیه از صفر شروع کنند.

مونرو عاشق بکت بود

مریلین مونرو هنوز هم خبرساز است، از چاپ شعرها و دست‌نوشته‌هایش که تصویر او را کاملاً تغییر داد تا ساخت فیلمی که این روزها انتخاب بازیگرش در مطبوعات سینمایی جهان هیاهو به پا کرده است.

انتشار دست‌نوشته‌ها، خاطرات و شعرهای مریلین مونرو در ماه گذشته نشان داد مونرو در سال‌های زندگی مشترک با آرتور میلر علایق ادبی غریبی پیدا کرده است. او شیفته «ساموئل بکت» و نمایشنامه «در انتظار گودو» بود و در دفترچه خاطراتش درباره ویژگی‌های دو قهرمان این نمایشنامه ولادیمیر و استراگون نوشته است. در طول این یادداشت‌ها او بارها از علاقه‌مندی‌هایش به بکت و رمان مشهور «در جست‌وجوی زمان از دست‌رفته» نوشته است. حالا هم فیلمی بر اساس خاطرات روزانه «کالین کلارک» دستیار مونرو توسط «آدریان هودگز» به نگارش درآمده که قرار است میشل ویلیامز ستاره اصلی آن باشد. این خاطرات مربوط به حوالی سال ۱۹۵۷ میلادی و حضور مونرو در لندن برای بازی در فیلم «شاهزاده و خواننده» با حضور «لاورنس الیویر» می‌شود. داستان این خاطرات همچنین به دیدار ملکه الیزابت و مونرو می‌پردازد. گزیده‌ای از دفتر خاطرات روزانه «کلارک» در سال ۱۹۵۸ منتشر شد، اما پس از مرگ او در سال ۲۰۰۲ و انتشار کامل آن، امکان تبدیل دفتر خاطرات کلارک به فیلم فراهم شد. «میشل ویلیامز» ستاره نوپای هالیوود به زودی در نقش مریلین مونرو در فیلمی به نام «یک هفته با مریلین مونرو» ظاهر خواهد شد. این فیلم درباره یک هفته از زندگی این ستاره فقید هالیوود است که از طریق صفحاتی از دفتر خاطرات دوست نویسنده او «کالین کلارک» روایت شده است. شرکت واینستین اخیراً عکس‌هایی در رابطه با این فیلم تازه که کار فیلمبرداری آن از اوایل همین ماه در لندن آغاز شده منتشر کرده است. این عکس‌ها بیش از هر چیز نشان می‌دهند میشل ویلیامز با موهای بلوند توانسته به آسانی در قالب مریلین مونرو فرورفته و تصویر تازه و پرشباهتی با این ستاره قدیمی و معروف ارائه دهد.

بازیگران دیگر فیلم «یک هفته با مریلین مونرو» عبارتند از: «جودی دنچ»، «کنت برانگا»، «اما واتسون» و «جولی اورموند» که همه آنها بریتانیایی هستند. مونرو یکی از مشهورترین ستارگان سینمای هالیوود و ستاره پاپ به شمار می‌رود که برخی او را جذاب‌ترین زن قرن بیستم می‌دانند که در عین حال یکی از پرعکس‌ترین چهره‌های زن جهان نیز هست. مونرو پیش از ورود به سینما، مدل عکاسی بود و سپس مدل نقاشی به نام ارل مورن شد. انتشار تصویری از مریلین مونرو روی جلد مجله‌ای باعث شد این مجله یک‌شبه به شهرت فراوانی بین خاص و عام برسد. مونرو در سال ۱۹۴۶ اولین قرارداد بازیگری خود را با کمپانی فاکس قرن بیستم بست و از آن پس نام مریلین مونرو را برای خود برگزید. او در سال ۱۹۵۵ با آرتور میلر نمایشنامه‌نویس معروف ازدواج کرد اما در سال‌های آخر زندگی با شکست‌هایی در زندگی خصوصی خود مواجه و در نهایت به افسردگی شدید دچار شد. او در سال ۱۹۶۱ از آرتور میلر جدا شد و یک سال بعد به علت مصرف قرص خواب‌آور در خانه مسکونی خود در بورلی هیلز درگذشت. در طول سال‌ها مریلین مونرو همواره موضوع فیلم‌های مستند، کتاب‌ها، نقاشی‌ها، طراحی‌ها و بحث و بررسی‌های مختلف بوده است و عوام و مردم عامی به همان اندازه در مورد زندگی او کنجکاو هستند که نویسندگان و روشنفکران.

طولانی‌ترین روخوانی از رمان اسکات فیتزجرالد در برادوی

شش ساعت همنشینی با گتسبی بزرگ

«گتسبی بزرگ» نوشته اسکات فیتزجرالد که از مهم‌ترین و مطرح‌ترین آثار ادبی قرن بیستم امریکا محسوب می‌شود برای نخستین بار به صورت یک روخوانی شش‌ساعته به شیوه تئاتری روی صحنه برادوی اجرا می‌شود.

کتاب «گتسبی بزرگ» از تاریخ انتشار آن در سال ۱۹۲۵ تاکنون به عنوان یکی از اثرگذارترین آثار ادبی امریکا شناخته شده است که جایزالخطا بودن «رویای امریکایی» را در یک زمینه داستانی پرزرق و برق به نمایش می‌گذارد؛ کتابی که تاکنون بارها موضوع فیلم‌های سینمایی، تلویزیونی، صحنه نمایش و حتی اپرا بوده است.

اما اخیراً یکی از گروه‌های تئاتری نیویورک اجرای تازه‌ای از این اثر «اسکار فیتزجرالد» را روی صحنه تئاتر آورده است که در آن کتاب «گتسبی بزرگ» کلمه به کلمه روخوانی می‌شود؛ روخوانی‌ای که به‌رغم مدت طولانی آن به شدت مورد استقبال منتقدان و تماشاگران تئاتر قرار گرفته است.

وقتی تماشاگران وارد سالن این تئاتر که در محل «پابلیک تیاتر» نیویورک قرار گرفته، می‌شوند متوجه دکور روی صحنه می‌شوند که کوچک‌ترین شباهتی به دوران طلایی موسوم به «جاز» و دهه شکوهمند ۱۹۲۰ و دورانی که داستان «گتسبی» اسکات فیتزجرالد در آن اتفاق می‌افتد، ندارد. به جای آن روی صحنه، منظره یک دفتر کار متروکه با دیوارهای خاکستری، اثاثیه درب و داغان شده، یک کامپیوتر قدیمی و یک ماشین تحریر قدیمی قرار گرفته است.

با آغاز نمایش، مردی با پیراهن آبی وارد صحنه می‌شود و چندین بار می‌کوشد کامپیوتر را روشن کند اما موفق نمی‌شود. مرد شانه‌هایش را بالا می‌اندازد و بعد یک نسخه از کتاب «گتسبی بزرگ» را از میان میز شلوغش بیرون می‌آورد و با صدای بلند شروع به خواندن آن می‌کند. از این لحظه تا شش ساعت و نیم بعد، با دو تنفس میان‌پرده‌ای کوتاه و یک تنفس نیم‌ساعته برای خوردن شام، تماشاگر از طریق روخوانی کارمندان مختلف این دفتر کار اسرارآمیز، به داخل دنیای زنده و پرهیجان «گتسبی بزرگ» برده می‌شود.

به این صورت در طول روخوانی نمایش، مردی که پیراهن آبی پوشیده است تبدیل به «نیک کاراوی» راوینگر کتاب «گتسبی بزرگ» و یکی از شخصیت‌های اصلی داستان، دوست و فرد مورد اطمینان میلیونر خودساخته «جی گتسبی» می‌شود.

این نمایش تازه برادوی «گتز» نام دارد و هنگامی که «بن برنتلی» منتقد تئاتری روزنامه نیویورک‌تایمز در اوایل سال جاری آن را برای نخستین بار در شهر «کمبریج» ماساچوست تماشا کرد آن را «یک رویداد هنری هیجان‌انگیز و غیرمحتمل» خواند.

برنتلی می‌گوید: «وقتی درباره روخوانی یک نمایش صحبت می‌کنید شاید از لحاظ ارزش‌های دراماتیک تئاتری به نظر خیلی جذاب نمی‌آید یعنی آدم بیشتر به یک حرکت منفعل فکر می‌کند که حتی می‌تواند خسته‌کننده باشد. اما این نمایش از یک قوه محرکه بی‌نظیر برخوردار است و توانسته است به صورتی بی‌سابقه یک فرم تئاتری موفق از عمل ساده کتابخوانی یا روخوانی نمایش برای تماشاگر به وجود آورد.»

در طول ۱۹ سال گذشته، جان کالینز کارگردان نمایش تازه «گتسبی» به همراه گروه تئاتری به نام «خدمات تعمیر آسانسور» به کارگردانی نمایش‌های تجربی گوناگون اشتغال داشته است. او معتقد است تئاتر خلاق تئاتری است که اساس آن بر غیرمحتمل‌ها و غیرممکن‌ها گذاشته شده باشد: «ما معمولاً چیزهایی را دوست می‌داریم که برای ما معمایی را به وجود بیاورند که در نتیجه ما مجبور به حل آن بشویم. این همان روندی است که تاکنون در تئاتر جریان داشته و کم‌کم به صورت یک وسواس همه جا حضور شاخصی پیدا کرده است. ما در این گروه همواره به دنبال مواد اولیه‌ای بوده‌ایم که هیچ راه مشخصی برای تبدیل آن به یک نمایش وجود نداشته است.»

وقتی یکی از اعضای گروه پیشنهاد داد که از کتاب «گتسبی بزرگ» که در آن «فیتزجرالد» روی دیگر سکه «رویای امریکایی» را بررسی کرده است برای اجرای یک نمایش استفاده کنند، هم کارگردان و هم بازیگران از این فکر استقبال کردند و دنبال راهی گشتند تا بتوانند این کتاب را به صورتی تازه زنده کنند. گروه بلافاصله در یک دفتر کار کهنه و قدیمی شبیه به همین دکوری که امروز روی صحنه قرار دارد شروع به تمرین کردند.

کالینز می‌گوید: «نمی دانم چه بود اما یک جذابیت خاصی در این دفتر کار کوچک و محقر وجود داشت. منظورم این است که شخصیت «نیک» یا همان راوی کتاب «گتسبی بزرگ» مرد جوانی است که یک شغل معمولی و کم‌درآمد دارد و اغلب در مورد این مساله که نمی‌تواند پول کافی دربیاورد حرف می‌زند. همین جریان خود با موضوع کتاب همخوانی داشت اما من در عین حال به دنبال زمینه‌ای برای اجرای نمایش خود می‌گشتم که کمی هم اسرارآمیز و سوال‌برانگیز باشد تا مسائل کتاب درخشش خاصی در آن پیدا کند.»

به این صورت است که وقتی مردی که روی صحنه نمایش پیراهن آبی پوشیده به روخوانی کتاب می‌پردازد، کارمندان مختلف این دفتر رنگ و رورفته برای انجام کارهای گوناگون وارد و خارج می‌شوند. آنها کم‌کم به شخصیت‌های داستان شباهت پیدا می‌کنند و ضمن انجام کارهای دفتر ناگهان با بیان یکی از جملات کتاب «گتسبی بزرگ» از زبان یکی از شخصیت‌های این داستان، دفتر محقر تبدیل به صحنه یکی از ضیافت‌های باشکوه «گتسبی» می‌شود و ناگهان کاغذهای رنگی و لیوان‌های کاغذی به این سو و آن سو پرتاب می‌شوند.

کالینز کارگردان جوان نمایش هرگز پیش از آغاز این کار تازه کتاب «گتسبی بزرگ» را نخوانده بود: «برای من این کتاب به طور اعجاب‌انگیزی معاصر بود. من واقعاً متعجب شدم که این کتاب می‌تواند تا این حد نزدیک به مسائل امروز و در عین حال تا این حد شاعرانه باشد. مثل یک شعر کامل هر کلامی که در این کتاب به کار رفته لازم و ضروری بوده است. به این صورت احساس کردم نمی‌توانم هیچ یک از این کلام‌ها را حذف کنم.»

به این صورت گروه تصمیم گرفت از همه کلمات کتاب استفاده کند. اسکات شپرد بازیگر نقش «راوی» است و بیشتر روخوانی را او انجام می‌دهد: «من تاکنون در یک ماراتن یا مسابقه دوندگی شرکت نکرده‌ام اما فکر می‌کنم این روخوانی خودش نوعی شرکت در ماراتن است. منظورم این است که یک کتاب خیلی طولانی‌تر از آن است که یک بازیگر بتواند همه آن را به آن صورتی که جایز است از حفظ کند.

دریچه

از کابل تا لندن

لباس‌های زنان افغان مد امروز لندن

«زلیخا شهرزاد» طراح لباس افغان این روزها یکی از طراحان لباس متفاوت شهرهای اروپایی است. لباس‌های سنتی زنان افغان در تمام سال‌هایی که طالبان بر این کشور حکمفرمایی می‌کرد زیر برقع‌ها گم شدند و رنگ و نشانی از آنها در هیچ جا دیده نشد.

اما زلیخا شهرزاد به همراه چند خیاط سنتی افغان این لباس‌ها را با تغییرهایی جزیی و کمی امروزی کردن به ویترین شهرهای بزرگی همچون لندن آورده است و در هفته مد و لباس لندن لباس‌های سنتی افغانی با طراحی او تبدیل به یکی از چشمگیرترین اتفاق‌ها شدند.

زلیخا سال ۲۰۰۴ شرکت «ظریف» را پایه‌گذاری کرد، از لندن راهی افغانستان شد و با راه انداختن یک کارگاه کوچک در کابل هشت زن افغان را دور هم جمع کرد و در کنار اشتغال‌زایی برای این زنان کار روی طراحی و امروزی کردن لباس‌های سنتی افغانستان را آغاز کرد. این کارگاه کوچک خیلی زود تبدیل به یکی از مهم‌ترین مراکز کارآفرینی و کسب درآمد زنان کابل شده است. ۱۰۰ خیاط و کارمند این شرکت همگی زن هستند و محصولات‌شان را یکراست به بازارهای اروپا و امریکا می‌فرستند. سال گذشته هم شرکت ظریف برای آشنایی بیشتر مردمان کشورهای دیگر با لباس‌های سنتی زنان افغان شو لباسی در کابل برگزار کرد و در این برنامه از زنان سفرای اروپایی در افغانستان و کارمندان سازمان‌های بین‌المللی دعوت کرد تا از این شو بازدید کنند و در عین حال از وجود چنین کارگاه جهانی‌ای در کابل باخبر شوند.

شهرزاد متولد افغانستان است اما از ۱۰سالگی در اروپا زندگی می‌کند. او معتقد است این پروژه مد به او کمک کرده است تا با ریشه‌های خود ارتباط تازه‌ای برقرار کند: «من همیشه دنبال وسیله‌ای می‌گشتم که مرا یک بار دیگر به صورتی به افغانستان ارتباط دهد. در واقع منظور اصلی من فقط این نبود که برگردم و به زنان افغان کمک کنم بلکه فکر می‌کنم بیش از هر چیز دیگر به دنبال هویت و فرهنگ گمشده خودم می‌گشتم.»

او با استفاده از طرح‌ها و پارچه‌های سنتی افغانستان آنها را به صورت طرح‌هایی مدرن و معاصر درمی‌آورد. پارچه‌های پشمی رنگارنگ و پارچه‌های ابریشمی ظریف و گلدوزی شده با دست. برخی از این پارچه‌ها با خطنگاری و اشعار شاعران قرن شانزدهم افغان تزیین شده‌اند.

اما بیشتر طراحی‌های لباس «زلیخا شهرزاد» در بازار مد جهانی و به ویژه اروپا طرفداران بی‌شماری پیدا کرده است. در حقیقت بیش از ۹۰ درصد از لباس‌های او در خارج از افغانستان به فروش می‌رسد.

«مانی سرپیل» مدیر بوتیک لندن «شهرزاد» و محلی است که مدهای این طراح افغانی‌تبار به فروش می‌رسد. او می‌گوید این لباس‌ها با سرعتی کم‌سابقه به فروش می‌رسند: «من فکر می‌کنم خریداران بیش از هرچیز به این مساله آگاهی دارند که این لباس‌ها متفاوت و اغلب منحصر به فرد هستند. این لباس‌ها در کارخانه و به صورت تولیدی ساخته نشده‌اند بلکه هر یک از آنها با دست‌های این زنان دوخته شده‌اند و پارچه‌ها هم با دست بافته و رنگ‌آمیزی شده‌اند. همین موضوع ارزش تازه و ویژه‌ای به این لباس‌ها می‌بخشد. در حقیقت می‌توان گفت هریک از این پارچه‌ها ماجرای خودشان و زندگی خودشان را دارند.»

این دیدگاه تازه و طرح‌های مد «زلیخا شهرزاد» این روزها ورای مرزهای انگلستان در پاریس، نیویورک و دوبی نیز به فروش می‌رسد و در این شهرها نیز از توجه و استقبال هواداران مد برخوردار است.

سودوکو شماره ۷۲

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

7			5	1	6			
		3						
2	9					4		
3							7	
	2	4	8		3	1	6	
	1							4
		2					3	5
						7		
			7	4	8			2

حل سودوکو شماره ۷۱

5	1	8	2	7	4	9	3	6
7	4	2	6	9	3	5	8	1
9	6	3	8	1	5	4	2	7
3	9	1	5	4	6	8	7	2
6	7	5	1	8	2	3	4	9
8	2	4	9	3	7	6	1	5
2	5	7	4	6	8	1	9	3
1	8	6	3	2	9	7	5	4
4	3	9	7	5	1	2	6	8

جدول شماره ۱۰۶۴

افقی

۱- از بزرگ‌ترین رجال سیاسی دو قرن اخیر- فرشته مقرب ۲- شهری بزرگ در فرانسه- تهمتن زابلستان- بانگ جانور درنده ۳- مامور تشریفات عهد صفوی- ضرباهنگ- جرقه‌ای را به شمع موتور می‌فرستد ۴- کال- نوعی گوشی جدید بدون کلید فشاری- کمانگیر شاهنامه ۵- یاوه و چرند- کهنه و پوسیده- عاجز، بیچاره ۶- زراعت به امید باران- دریاچه‌ای در سیستان- ناتوانی در پرداخت بدهی به علت فقر ۷- مستقیم و درست- دام- قطب مثبت باتری ۸- پایتخت کشور ژاپن- محل تبدیل گندم به آرد ۹- وسایل مسافر در آن است- رایگان- عاج دندان را از آسیب حفظ می‌کند ۱۰- سپاسگزار- آنچه به عنوان برآورده شدن حاجت می‌بخشند- رتبه ورزشکار کاراته ۱۱- کتابی از فابیان لاگر کوییست نوبل برده در سال ۱۹۵۱- آشیان پرندگان شکاری- نوعی رسن مرتجع ۱۲- اشاره به نزدیک- جای پای سوارکار- مهر و موم ۱۳- در ادارات می‌گیرند- تشنه در بیابان می‌بینند- پایتخت نیجریه ۱۴- موطلایی- آل، دودمان- رهبر و پیشوا ۱۵- از شهرهای استان کرمان- کتابی به فارسی در شرح وقایع تاریخ‌نگاری و جنگ‌های یکی از سلاطین تیموری تالیف علامی.

عمودی

۱- از بخش‌های بروجرد- جنگجو ۲- خانم فرنگی- تظاهر به دیانت- حمد و ثنا ۳- واحد پول چین- باده‌گسار بی‌خبر از دنیا- از آثار وی طبقات است ۴- نقاش فرانسوی تابلوی «ضیافت در شب»- درختی جنگلی- خورشید ۵- نان خمیر و نامرغوب- باعث صرف وقت و انرژی- طاقچه بالا ۶- میوه و ثمر- عصبی که از کمر تا پا امتداد دارد- قرص روانگردان ۷- درخت تسبیح- پر- زیان و ضرر ۸- حشره‌ای با زهر کشنده- کلمه شگفتی- نت سوم- پدر یا پدربزرگ ۹- باتربیت- درخت خوش‌قامت زینتی- مخزن بنزین ماشین ۱۰- کسی که زیاد اصرار می‌ورزد- قوطی حاوی پارچه آغشته به جوهر برای انگشت زدن- پروردگار ۱۱- راه شاعرانه- برد معروف- ضد تبری ۱۲- جادوگر می‌خواند تا به مقصودش برسد- به دار آویختن- زیرشلواری ۱۳- حرکتی در ژیمناستیک- درخت مجنون- پلنگ سیاه‌رنگ جزایر اندونزی ۱۴- طرز عمل- پسوند آغشتگی- قدح ۱۵- از بنادر ایران- مدرک فارغ‌التحصیلی دانشگاه.

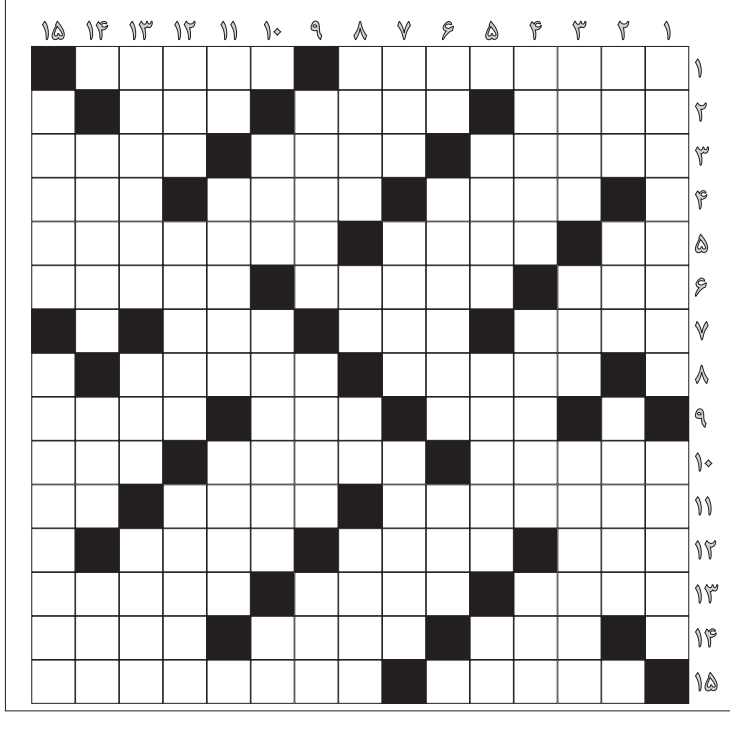
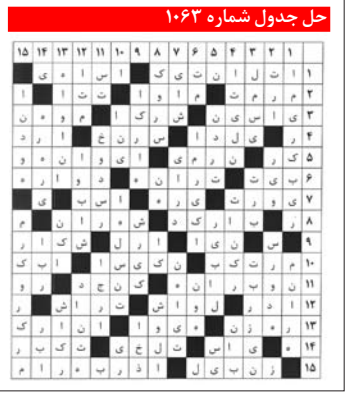
حل جدول شماره ۱۰۶۳